

در لزوم همدلی با جامعه‌ی سوگوار و داغ‌دیده، حالِ دلِ ما خوب نیست، اما باید برخاست و با همدلی جلوه‌ای نو و دیگر گونه ساخت!..

امیرجواهری لنگرودی

a.javaheer99@gmail.com



در نتیجه‌ی کشتار معترضان و مردم بی دفاع دردی ماه ۱۴۰۴ آوار عظیمی به وسعت جغرافیای کشورمان بر جامعه فروریخته‌اند، برابر این ترومای جمعی، ما از پانیاftادگان امروز، به جای داد و فریاد و شعارهای سیاسی بی حاصل و اغلب کم بها، باید بتوانیم در خانه‌ها را به صدا درآورده و به جای حرافی و ادعای میدان‌داری، با تمام توان و به هر شیوه و شکلی که می‌توانیم، این لحظه‌های اضطراب و شوک‌کشنده‌ی حادثه شده بر هم‌میهنانمان را در حد توانمان التیام بخشیم. باید غم و اندوه یکایک آنان را به چشم جان‌نگریست و آنرا درد و اندوه خویش بشماریم و همراه ازپای فتادگان و درکنار آنان باشیم، به التیام دادن آنان برآییم که این خود نوعی مبارزه‌ی نیک خواهانه، برابر اندوهی‌ست که به مردم

ایران تحمیل شده است! چرا که همدردی خود نوعی کنش انقلابی است! تا به امروز و در طی ۴۷ سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، داغ و درفش فراوانی را برتن وجان خانواده‌ها با زور، تهاجم، بازداشت، زندان و شکنجه و اعدام و درخیابان‌ها با رگبار گلوله‌های ساچمه‌ای و جنگی، چاقو و قمه و بعضاً با کاتیوشا نصب شده بر وانت‌های سپاه و قوای سرکوب، ردخون بر آسفالت و سنگ فرش‌های کوچه‌ها، بر جای نهاده است! هر سطح این جنایات حادث شده، پرونده‌ی سیاه دیگری از سوی جنبش دادخواهی ایران برابر کلیت نظام اسلامی می‌گشاید!

در شرایط زخمی شدن کل جامعه و برجستگی بخشیدن به حافظه‌ی جمعی، نخستین گام مخالفت با "روایت سازی"، "عادی‌نمایی"، مضمون خباثت و دد منشی و کشتاربی حساب حاکمیت اسلامی است! قدرت، فقط زمانی خطرناک نیست که می‌کشد؛ خطرناک‌تر زمانی است که کشتن را روایت خود ویژه خویش می‌سازند و آنرا "عادی سازی" می‌کنند. وقتی مرگ آدم‌ها به عدد و خبر تبدیل می‌شود، جنازه عدد می‌شود و مفهوم سوگ فرسوده می‌گردد. این سیاست "عادی‌سازی"، از طرف حاکمیت، به مثابه قلب سیاست مرگ‌محور نظام اسلامی است و نباید از جانب مردم پذیرفته شود و عادی پنداشته گردد!

حکومت واپس‌گرای اسلامی ایران در "عادی سازی" غیرعادی‌ترین وضعیت‌ها، استاد است. او نمی‌خواهد فقط بکشد؛ می‌خواهد حافظه‌ی جامعه را بزداید، خشم عمومی را مستهلک نمایند و معنای بودن و زندگی را فرسوده سازد، زیرا هر بار که جنایت به حاشیه می‌رود و بحث به معنای «اشتباه دیگران» تلقی می‌گردد، پروژه اطاق فکرامنیتی های یک گام به جلو می‌نهد.

بی‌گمان نخستین شرط، باید توسط فعالان "کمیته های محله محور" سازمان یافته در محلات هر شهر و استان، بیرون کشیدن نام هر انسان بر زمین فتاده، ثبت و برجسته کردن نام و ذکر مشخصات آنها، تصویر چهره

وانعکاس وضعیت جسمی با اسم شهر و خیابان و روز جنایت است تا این آمار ثبت شده در خدمت جنبش دادخواهی قرار گیرد.

خون‌هایی که دردی ماه ۱۴۰۴ بر زمین ریخته شد، محصول سوء تفاهم نبود، بدون هیچ تردیدی حاصل هیجان سیاسی هم نبود. این خون‌ها، نتیجه‌ی منطقی ساختاری است که بقایش فقط با مرگ دیگران تضمین می‌شود. اینجا نه با دولت طرفیم، نه با نظام؛ بلکه با یک سازوکار سرد و منظم حذف انسان‌ها از کودک تا مادر بزرگ‌ها و پدران و کشتار پرشماری انسان‌ها مواجهیم!

به خون غلطیده‌گان و کشته شدگان به دست حکومت تنها تعدادی عدد نیستند که بر سر شمارش آنها اختلاف باشد، بر سر این جنایت هولناک حتی یک نام را نباید فراموش کرد. آقای «کریستین مالارد»، روزنامه‌نگار و خبرنگار فرانسوی به نقل از منابع اداری ایران می‌گوید که تا به امروز ۸۴۶۷۷ قربانی ثبت شده است. همین روزنامه‌نگار فرانسوی می‌گوید: این آمار، سرکوب حاکمیت اسلامی را به عنوان خونین‌ترین سرکوب در تاریخ معاصر، خارج از زمان جنگ، قرار می‌دهد.

این اعداد خیل عظیم یکایک خانواده‌ها را پوشش می‌هد. یکایک آنان سوگوار عزیز از دست رفته و به نوعی به خاک افتاده‌ی خویش محسوب می‌شوند. همانگونه که یاد کردیم؛ ثبت هر نام به اهمیت این رخداد و هولوکاست اسلامی در برابر افکار عمومی جامعه‌ی جهانی که لاجرم روزی به داوری خواهد نشست اهمیت دارد. اگر چنین نشود، سرکوبگران نیز از تاریکی و فراموشی بهره می‌گیرند.

برابر جنایت بی بازگشت دی ماه ۱۴۰۴ در تمام جغرافیای ایران، بیش از اینکه تاثیر ضایعه و پیامدهای به‌غایت اندوهبار آن را نزد خانواده‌ها بازبشناسیم. باید رفتار انسانی ما همراه بادرکی عمیق از فضای دلبستگی یا تعلق خاطرمان با اضطراب پس از آسیب معنای منطقی یابد!

ماهیت دلبستگی و همبستگی و پیوستگی ما به خیل چندین هزار نفری سوگوار، بایستی با چیستی و شخصیت جوان و نوجوان بر زمین فتاده و فقدان وجودی او نزد خانواده در تعارض نباشد.

ابراز عواطف نسبت به انسان از دست رفته و بر زمین فتاده، به نوعی گُنش اجتماعی می‌انجامد که در شرایط فعلی خود، رنج مادران و پدران را می‌تواند تا حدی التیام بخشد و نوعی همدلی عاطفی همراه با امید به آینده را به وجود آورد. این پایان همدردی ما تلقی نمی‌گردد بلکه آغازی‌ست برای نکوداشت زندگی جان‌های ازدست رفته و در دل فاجعه دهان گشوده در عمق جامعه!

باید پذیرفت التیام روحی و جسمی خانواده‌های عزیزاز دست داده، روان شخصی و آسیب دیده‌ی آنان را با نوعی بازسازی روحی همراه می‌سازد و هر شانه‌ای می‌تواند تکیه گاه مطمئنی برای ماتم آنان گردد.

مرگ هر عزیزی بازگشت ناپذیر است، ولی رسیدن به قبول واقعیت فقدان هر عزیز برای مادران و پدران زمان می‌برد. چرا که نه تنها به پذیرش عقلی، که به دریافت عاطفی هم نیاز دارد. تو گویی این مردم احتیاج به سوگواری ندارند، آنجا که آیین‌های مذهبی مرسوم عزاداری را پشت سر نهاده‌اند.

مادران و پدران، همسران و خواهران و برادرانی را می‌بینیم که با چه روحیه و بدون لباس سیاه بر تن کردن، حضور نوجوانان از دست رفته خود را با آئین سوگوار شکن، با رقص و کل زدن بدل ساخته تا مقاومت را معنی بخشند که این در تاریخ سوگواری‌های ما بدعتی نو و تازه است. چنین حالاتی اغلب با احساس پرشوری همراه است که گویا جوانان ازدست رفته، همچنان حضور دارند و بیگمان در خیابان‌اند.

کلام آخر: درخیزش نان و احیای کرامت انسانی، در برابر رویداد تلخ دی ماه ۱۴۰۴ کشورمان، ما خود را از راه دور و تبعیدی ناخواسته در کنار

خانواده های داغدار و همدرد با ایستادگی آنان برای و امخواهی جنبش دادخواهی می یابیم، در برابر موج وسیع بازداشت شدگان دی ماه ۱۴۰۴ و گسیل آنها به زندان های پُر شمار ایران، همچنین خود را در کنار خانواده های بازداشت شدگان و فریاد رسای یکایک زندانیان سیاسی زیر شکنجه و بازجویی و منتظر احکام سخت در سراسر جهان هم آوا می دانیم . برای مبارزه به کلیت نظام اسلامی، خود را و امدار همه زندانیان سیاسی با هر گرایش و منظر فکری، با فریاد آزادی «زندانی سیاسی، بی قید و شرط آزاد باید گردد»، «ترور، شکنجه و اعدام، ملغی باید گردد»، «نه به جنک، نه به تجاوز خارجی» در امر استمرار مبارزه بدل خواهیم نمود...

باید بدانیم که جامعه ما، نیازمند این است که از شوک این قتل عام جمعی و سیاست ارباب سراسری "میهن گریه‌سان" مان، بیرون آید و باید به هر روش و با هر توان به یاری و همدردی هم برخیزیم که لاجرم دیر یا زود این جامعه باز می‌باید، تا سلاح خود را برای تکانه‌های بعدی اجتماعی صیقل دهد!

دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴ برابر با ۰۲ فوریه ۲۰۲۶